

نقدی بر مستند «قارلی یوللار» فیلم به عنوان یک اثر فرهنگی

«قارلی یوللار» یا همان «راه‌های برقی»، فیلم هوشمندانه‌ای در تحلیل و نمایش یک موضوع حساس است. هوشمندی هایدی مرادی در انتخاب جغرافیای فیلم خود داست. او که خود ترکزبان است به استان خود درفته و وضعیت تحصیل دختران را در روستاهای نورافتاده آنجا بررسی کرده است. هرچند که استان‌های ترکزبان ایران از این نظر شباهتی به مثلاً سیستان و بلوچستان ندارند اما کارگردان، مسئله دختران را در جایی بررسی کرده که به زبان و فرهنگ آن تسلط دارد. این یعنی نیمی از راه پژوهش طی شده است. فیلم با فرمی شبیه به فیلم‌های سهراب شهیدثالث و عباس کیارستمی از اقلیم به‌عنوان یکی از شخصیت‌های فیلم خود استفاده کرده و صرفاً در پی نمایش دادن نماهای زیبا نیست. فیلم صادقانه و بدون موضع‌گیری آشکار، دختران را قربانیان شرایط اقتصادی و اقلیمی منطقه نشان می‌دهد. دختران نوجوانی که عاشق آموختن هستند و معصومیت‌شان از فیلم بیرون می‌زند. فیلم ناله نمی‌کند و باروایت ساده خود، نشانه‌های یک کارگردان باتجربه را نشان می‌دهد. اصولاً آذربایجان و از دبیل شرایط فرهنگی پیشروتری نسبت به بسیاری از استان‌های دیگر دارند و دختران کمتر مشمول تعصبات سنتی قرار می‌گیرند و حداقل امکان درس خواندن را تا بالاترین مدارج دارند. اما عقب‌ماندگی این روستاها نه به‌خاطر تعصبات که به‌خاطر اقلیم و فقر است. فیلم بدین وسیله به‌خوبی کم‌کاری دولت‌های مختلف را در رساندن امکانات به این روستاها نشان می‌دهد. یکی از بزرگ‌ترین مدیران فولادی خورمیانه از یکی از همین روستاها می‌آید کسی که البته در دهه ۳۰ شمسی درگیر همین برف‌ها بود. البته متأسفانه تنها اشکال فیلم این است که تمرکز خود را صرفاً بر دخترها گذاشته اما سرنوشت پسران خانواده‌ها را هیچ‌گاه نمی‌فهمیم. حتی اگر ترکزبان باشید از شنیدن لهجه زیبای ترکی آذربایجانی از زبان قهرمان‌های فیلم لذت خواهید برد. بسیار اهمیت دارد کارگردان یک فیلم بداند که چگونه می‌توان بدون سرزدن شرایط را تصویب کرد که علاوه بر دشواری، آزاردهنده نباشد. به این معنی که کارگردان قصد اذیت کردن تماشاگران فیلم خود را با نشان دادن شرایط سخت و ناراحت‌کننده نداشته باشد اما در عین حال شرایط سخت و ناراحت‌کننده را نشان دهد بدون آن که تماشاگر خود را اذیت کند. این کاری است که مرادی به‌خوبی آن را انجام داده است.

فیلم در کمتر از ۴۰ دقیقه به‌خوبی می‌تواند شرایط اقتصادی اجتماعی و فرهنگی یک قوم را در یک جغرافیا تحلیل کند. «قارلی یوللار» (راه‌های برقی) مشخصات طراحی پلات فیلمنامه را دارد و از کل به جز و جز به کل رسیده است. از این نظر فیلم به‌عنوان یک اثر فرهنگی و پدیدارشناسانه قابل توجه است. در جستواره، فیلم‌های زیادی وجود داشتند که فیلمنامه و موضوع قابل توجهی داشتند اما کارگردانی ضعیف آن، فیلم را از رسیدن به یک استاندارد خوب منع کرده بود. به‌خاطر همین است که مخاطب فکر می‌کند که ای کاش فیلمنامه‌ها دست کارگردانی مثل هایدی مرادی می‌افتاد و فیلم‌های بهتری از آن‌ها درمی‌آمد.



«سایه‌بان» نثر کوچه و بازار است

به‌عنوان یک بازیگر حرفه‌ای «سایه‌بان» را چگونه سریالی می‌بینید؟
ناوری خاصی نمی‌توانم درباره این سریال داشته باشم، اما از کار خوشم آمد و به همین دلیل در آن ایفای نقش کردم. به‌طور کلی به نظرم کار خوبی از آب درآمد. به نظر من چرا مردم با این سریال ارتباط برقرار کردند و دوستش داشتند؟
قصه این سریال در واقع از دل مردم بیرون آمده است. نثر کوچه و بازار است و به همین دلیل به دل مردم نشست و مخاطبان آن را دوست داشتند. مردم اغلب کارهایی را دوست دارند که به دلشان بتشیدند و بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. «سایه‌بان» از این ویژگی برخوردار بود.

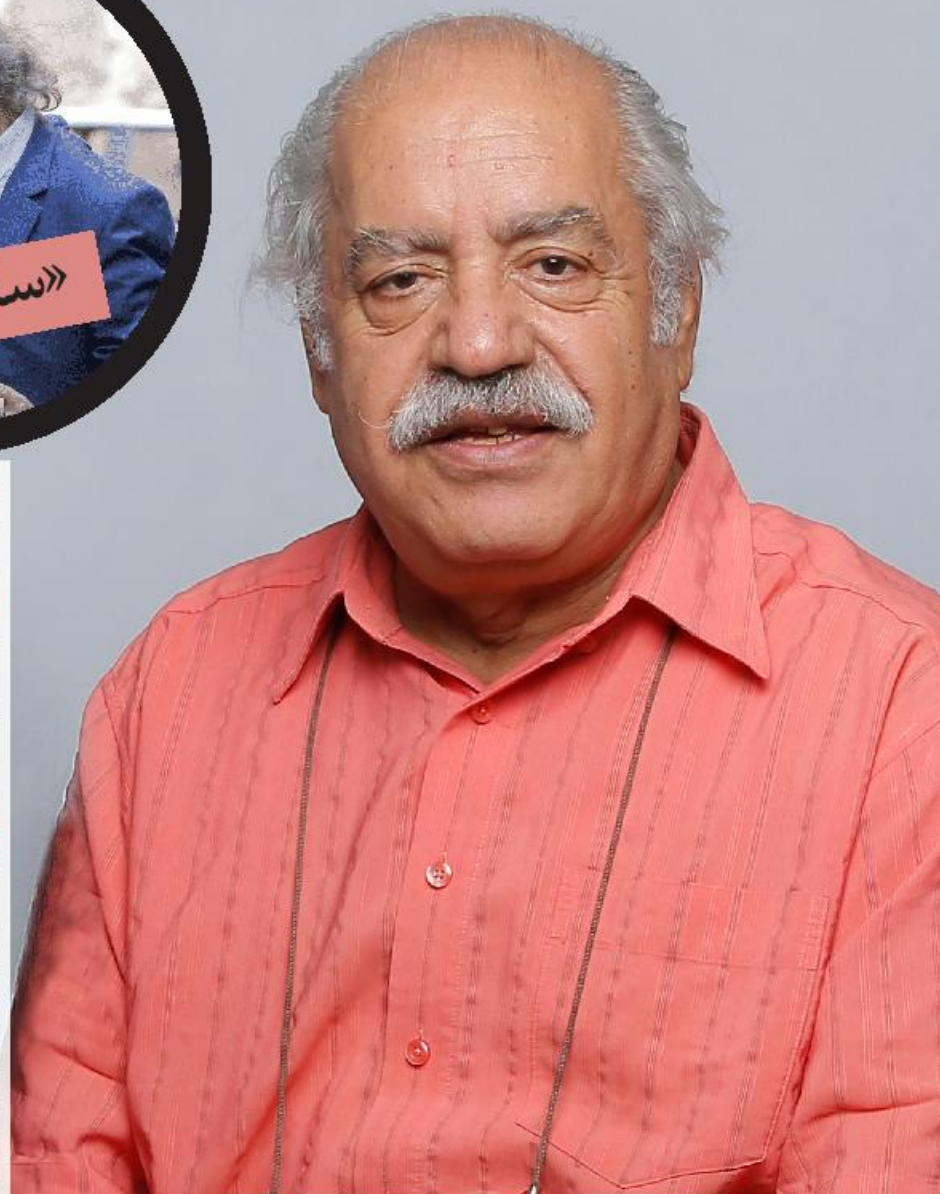
با توجه به تجربه‌ای که طی سال‌ها کسب کرده‌اید، اساساً یک سریال باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مردم دوستش داشته باشند؟
درام‌نویسی یک مسئله هارمونی بزرگ است. درام‌نویسان باید دلشان برای مردم بتپد، در غیر این صورت نمی‌توانند قلب آن‌ها را تسخیر کنند. موضوع بعدی این است که زبان درام باید خیلی نیرومند باشد. مردم باید قصه را درک کنند و بفهمند. اگر مخاطب نتواند با سریال رابطه برقرار کند نمی‌تواند دوستش داشته باشد. «سایه‌بان» به زبان مردم صحبت می‌کند. این قبیل قصه‌ها به لایه‌های مختلف جامعه مربوط می‌شود؛ به کارگرهای زحمتکش تا معلمان نلسوز و دیگر اقشار جامعه، و به همین دلیل مورد قبول واقع می‌شوند.

این سریال چه پیامی برای مخاطبان خود داشت؟
قطعاً پیامی داشته است، مثل تمامی کارهای دیگر. به نظر من اتفاقاً این سریال در انتقال پیامش به مخاطب خیلی هم موفق عمل کرد. در این سریال از لایه‌های مختلف جامعه حضور دارند، از جمله افراد زحمتکشی که نادانسته در مشکلات اقتصادی و اجتماعی گرفتار می‌شوند. آنان اما از عهده مشکلات برمی‌آیند و می‌توانند زندگی‌شان را با تلاش بسازند. این خودش پیام و درس مهمی است.
برای انتخاب یک نقش چه معیارهایی برایتان مهم است؟
نقش باید ضدمردم نباشد و به مسائل اصلی اجتماعی و حقوقی آنان بپردازد. اگر قصه‌ای این ویژگی‌ها را داشته باشد در آن پروژه حضور پیدا می‌کنم.

کارهای برادران محمودی چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟
برادران محمودی پدیده‌های صاف و ساده و بی‌شیله‌پیلای هستند. آن‌ها درک بسیار خوبی از مسائل اجتماعی دارند. طبیعی است کارهایی که می‌سازند هم صادقانه باشد. من احساس می‌کنم این دو برادر درک بسیار درستی از مسائل و مفاهیم اجتماعی دارند و به همین دلیل کارهایشان خوب است. خودم به‌شخصه کارهای آن‌ها را دوست دارم.

به‌مدیوم و ژانر خاصی علاقه دارید؟
من عاشق کاری هستم که پشتیبان تو ده‌ها باشد. با خوشحالی در کارهایی که به مسائل اقشار زحمتکش جامعه می‌پردازد، بازی می‌کنم.
مدیوم خاصی برایتان اولویت دارد؟ منظورم این است که برایتان فرق می‌کند که در سینما، تلویزیون یا تئاتر کار کنید؟
ترجیح می‌دهم در عرصه تئاتر کار کنم. من مرد تئاتر هستم و بلطبع این مدیوم را بیشتر دوست دارم. تمایل دارم این راهم بگویم که الان شرایط به نفع بازیگران نیست. در حال حاضر بازیگران شرایط تلخی دارند. ما با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم. در مورد بیمه، بیمه بیکاری و... مشکل داریم.

ان مشغول چه کاری هستید؟
مشغول تدارک فیلمی هستم که قصد دارم بعد از چهل سال خودم آن را بسازم. جزییات بیشتری از این کار به ما می‌دهید؟
هنوز مجوز آن را نگرفته‌ام. به همین دلیل تدارک فیلمی در حال پخش است. برخی از بینندگان دوباره آن صحبت نکنم. ان‌شاءالله بعد از گرفتن مجوز، درباره آن اطلاعات بیشتری می‌دهم.



بهزاد فراهانی در گفت‌وگو با «صبا» :

پس از ۴۰ سال فیلم خودم را می‌سازم

شهربانو جمعه‌پور
گفت‌وگو

بهزاد فراهانی از جمله بازیگران پیشکسوت و کهنه‌کاری به‌شمار می‌رود که تاکنون در فیلم و سریال‌های متعددی جلوی دوربین رفته است. او در فیلم‌هایی همچون «هفت پرده»، «سنگ‌کشی»، «دختری به نام تندر»، «قره داغ»، «میعادگاه خشم»، «یک وجب از آسمان»، «مظفرنامه»، «زن بدلی»، «چپ دست»، «قلب‌های نارام»، «سینا»، «طوطیا»، «مهره»، «ماه‌مهربان»، «راه‌افتخار»، «لندی‌های صفر»، «دست‌مزد»، «راز کوب»، «مار»، «گرگ‌بازار» و... حضور داشته است. این بازیگر توانمند همچنین در سریال‌های متنوعی ایفای نقش کرده است که از آن جمله می‌توان به «سه‌شنبه شب»، «عقیق»، «زیر پای مادر»، «بشت‌بام تهران»، «مدینه»، «ستاره حیات»، «دختری به نام آهو»، «باتوق»، «ستاره سهیل»، «روح مهربان»، «فرمان کوچک»، «مسافر زمان»، «سسیم رویا»، «هرگ و پیرگار»، «به رنگ صدف»، «فلم‌مقام فراهانی»، «محسم‌های گچی»، «فصله»، «کت جادویی»، «افلاک این عصر»، «رعنا»، «یکی از این روزها»، «مام‌عالی (ع)»، «گرگ‌ها» و... اشاره کرد. بهزاد فراهانی در دو مجموعه تلویزیونی به نام «دل‌دار» و «سایه‌بان» ساخته برادران محمودی نیز حضور داشته است. سریال «سایه‌بان» روایت رفاتت دو دوست به نام‌های «سهراب» (مجتبی پیرزاده) و «سعید» (محمد ولی‌زاده‌گان) است که به‌خاطر مسائل مالی در معرض آزمایش قرار می‌گیرند. «سهراب» پول جهیزیه خواهرش را به «سعید» می‌دهد تا آن کسب‌وکاری راه بیندازد. اما از بنفلسی، کسب‌وکار او خوب پیش نمی‌رود و برای بازگرداندن پول به مشکل می‌خورد. این ماجرا در کنار داستان‌های دیگر، قصه را پیش می‌برند. در سریال «سایه‌بان» شاهد مسائل روزمره و ملموسی هستیم که به زندگی ماست که می‌دهند. هم‌اکنون سریال «سایه‌بان» از شبکه آی‌فیلم در حال پخش است. برخی از بینندگان دوباره به تماشای این مجموعه نشستند و بعضی دیگر نیز برای اولین بار «سایه‌بان» را می‌بینند. به هر حال این سریال توانسته است بینندگان را با خودش همراه کند. به همین بهانه بهزاد فراهانی مصاحبهای را ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.